

Analyzing the Institutional Role of Islamic Contracts in Economic Growth and Development

Mohammad Soleimani*

Received: 24/09/2020

Mohammad Hosein Bahmanpour Khalesi** Accepted: 20/08/2020

Abstract

Throughout Islamic history, contracts have played a special role in shaping Muslim economic interactions. Theoretically, contracts have had a great impact on shaping the economic thought of Islamic scholars in analyzing the relations of economic actors; therefore, it is possible to imagine different positions for contracts in Islamic economics. The present study seeks to examine the functions of Islamic contracts as an economic institution in the economic growth and development of societies. The results of this study show that Islamic contracts, due to their nature, moral, and human characteristics can reduce the costs of exchange and increase efficiency and productivity of economic activities. It also Provide a platform for fair distribution of resources and therefore guarantee property right.

Keywords:

Islamic Contracts, Islamic Economics, Economic Growth, Economic Development.

JEL Classification: Z12, O43, D86, K12.

*. Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University (A.S), Tehran. Iran
solimani@isu.ac.ir

** . M.A candidate in Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University (A.S), Tehran, Iran.(Corresponding Author)
m.bahmanpour@isu.ac.ir

واکاوی نقش نهادی قراردادهای اسلامی در رشد و توسعه اقتصادی

محمد سلیمانی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۳۰

محمد حسین بهمن پور خالصی**

مقاله برای اصلاح به مدت ۳ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

در طول تاریخ اسلامی، قراردادها نقش ویژه‌ای در شکل‌دهی به تعاملات اقتصادی مسلمانان ایفا نموده‌اند. از بعد نظری نیز قراردادها تأثیر زیادی در شکل‌دهی به اندیشه اقتصادی علمای اسلامی در تحلیل روابط کنش‌گران اقتصادی داشته است؛ از این رو می‌توان برای قراردادهای جایگاه‌های متفاوتی را در اقتصاد اسلامی متصور بود. مطالعه حاضر در تلاش است تا به بررسی کارکردهای قراردادهای اسلامی به‌عنوان یک نهاد اقتصادی در رشد و توسعه اقتصادی جوامع با استفاده از روش تحلیلی - کتابخانه‌ای، بپردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که قراردادهای اسلامی با توجه به اختصاصات جوهری، ارزشی و انسانی آن و همچنین با بهره‌گیری ابزارهای ضمنی قراردادهای اصول و شروط حاکم بر آن می‌توانند ضمن کاهش هزینه‌های مبادله، سبب افزایش کارایی و بهره‌وری، دسترسی عادلانه مردم به منابع و امکانات و نیز تضمین حقوق مالکیت شود.

واژگان کلیدی: قراردادهای اسلامی، اقتصاد اسلامی، رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی.

طبقه‌بندی JEL: Z12, O43, D86, K12

* استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

solimani@isu.ac.ir

** دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده

m.bahmanpour@isu.ac.ir

مسئول)

۱. مقدمه

نهادهای غیررسمی که شامل فرهنگ، سنتها، دین و مذهب می باشد جای می گیرد. سطح دوم قواعد رسمی یا نهادهای رسمی است که کلیه قوانین رسمی همچون مالکیت و قواعد دیوانسالاری در آن جای دارد. در سطح سوم فضای حکمرانی و تعاملات نهادی قرار دارد که همه قراردادهای فی مابین بازیگران اقتصادی - به عنوان ابزار نهادی لازم برای تعاملات - را دربرمی گیرد؛ و سطح چهارم شامل ثمرات تعاملات بازیگران اقتصادی می شود و مسائلی همچون تخصیص منابع، اشتغال و... را در خود جای می دهد (ویلیامسون، ۲۰۰۲). بر این اساس قراردادها به عنوان عامل شکل دهی به تعاملات بازیگران اقتصادی، نقشی اساسی در یک تحلیل نهادی ایفا می نماید. تجربه تاریخی برخی کشورها بر توسعه اقتصادی با تمرکز بر نهادها و قراردادهای بهینه و نیز تأکید نظریات جدید رشد بر عوامل بنیادی و زیرساختی اقتصاد همچون نهادها، فرهنگ، سرمایه انسانی و.. (Romer, 2016) سبب آن شده است تا بتوان جایگاه ویژه ای را برای قراردادها - به عنوان یکی از نهادهای اقتصادی - در رشد و توسعه اقتصادی قائل شد. از این رو امروزه با گسترش تخصصی سازی و تقسیم کار، ضرورت توسعه ساختارهای نهادی به منظور بسترسازی برای شکل گیری تعاملات پیچیده بازیگران اقتصادی، که نیازمند دو متغیر اطلاعات شخصی نسبت به طرفین معامله و زمان است، دو چندان شده است (North, 1987).

از سوی دیگر در ادبیات اسلامی قراردادها نقش زیادی در شکل دهی به تعاملات اقتصادی مسلمانان ایفا می نمایند. علاوه بر این تحلیل فعالیت های اقتصادی کنشگران اجتماعی با استفاده از قراردادها یکی از مؤلفه های اصلی فقه معاملات به شمار می آید. از این رو به نظر می رسد که قراردادها دارای جایگاه ویژه ای در تمدن اسلامی از جهت عملی و نظری باشند. تأکیدات آیات و روایات بر مسئله لزوم پابندی طرفین به عقود و قراردادهای صحیح شرعی حتی با مشرکان که از اطلاعات آیه او فوابعقود و سایر موارد مشابه استنباط می شود، اهمیت این سازوکار انسانی در سامان دهی به روابط اجتماعی و اقتصادی را هویدا می سازد. از این رو پژوهش حاضر به بررسی نقش عقود و قراردادهای

اسلامی در رشد و توسعه اقتصادی می‌پردازد و در تلاش است تا ضمن تشریح نقش قراردادهای به‌عنوان یکی از بسترهای نهادی توسعه، به ممیزات قراردادهای اسلامی در رشد و توسعه اقتصادی در قالب یک مدل مفهومی بپردازد.

۲. مروری بر ادبیات

از نظرگاه مورد استفاده در این مقاله می‌توان عمده ادبیات موجود در رابطه با نسبت نهادها و توسعه اقتصادی را در ۴ دسته طبقه‌بندی کرد. دسته اول از پژوهش‌ها شامل مطالعاتی می‌شود که به‌طور کلی نسبت نهادها و رشد و توسعه اقتصادی را بررسی کرده‌اند. از این دست مطالعات می‌توان به پژوهش‌های نورث (۱۹۸۹)، عجم اوغلو و رابینسون (۲۰۱۰) و ذوقی (۱۳۹۴) اشاره نمود که در آن بر نقش نهادها و تغییرات نهادی در رشد و اختلاف سطوح رشد اقتصادی کشورهای مختلف تأکید شده است. به‌عنوان یک نمونه داخلی از این مطالعات، طیب‌نیا و نیکونسبتی (۱۳۹۲) نیز بر لزوم توجه به عواملی همچون عناصر نهادی تشکیل‌دهنده بازار، نحوه تغییر نهادی، اثرات نهادهای سیاسی و اجتماعی بر عملکرد اقتصادی جهت ارائه سیاست‌های مناسب در جهت تسریع رشد اقتصادی تأکید می‌نمایند. دسته دیگر از مطالعات به نقش نهاد حقوق مالکیت در رشد و توسعه اقتصادی پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال دادگر و ندیری (۱۳۹۳) در مطالعه خود با موضوع تأثیر نهادهای حقوق مالکیت و نهادهای قراردادی بر رشد اقتصادی نشان داده‌اند که نهادهای حامی حقوق مالکیت نسبت به نهادهای اجرای قراردادهای تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی دارند. حسینی و محمدی (۱۳۹۲) نیز در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر حقوق مالکیت در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه به بررسی این سؤال پرداخته است که زمینه‌های نهادی مورد نیاز برای ایجاد یک نظام حقوق مالکیت کارآمد در کشورهای در حال توسعه چیست. نویسندگان مهم‌ترین راهکار را در رفع مشکل اجرای قراردادهای با بهره‌گیری از راهبرد برداشتن محدودیت‌های اجرای قرارداد و نیز اجرای خصوصی قراردادهای دانسته‌اند.

دسته سوم از مطالعات به بررسی نقش نهاد قراردادهای در رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آگیره (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که به محض اینکه اقتصاد به حالت پایدار خود نزدیک می‌شود، تأثیر نهادهای قراردادی بر تولید ناخالص داخلی سرانه افزایش

می‌یابد. همچنین در این زمینه کومار و ماتسوساگا (۲۰۰۸) بر نقش شبکه‌های محلی و خانواده بر اعمال قراردادها و توسعه اقتصادی جوامع پیشامدرن تأکید نموده‌اند. دسته چهارم از مطالعات به بررسی نقش سایر نهادها بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند؛ مطالعات انجام شده در این حوزه متعدّدند. به‌عنوان مثال محمدی و ندیری (۱۳۹۲) با مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی تأثیر نهادهای خالق بازار و سایر نهادها بر رشد اقتصادی» به بررسی تأثیر چهار گروه مختلف نهادهای خالق بازار، تنظیم‌کننده بازار، تثبیت‌کننده بازار و مشروعیت‌بخش به بازار، بر رشد اقتصادی با استفاده از روش gmm پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که نهادهای خالق بازار و تثبیت‌کننده بازار بر تولید ناخالص سرانه تأثیرگذارند اما تأثیرگذاری دو دسته دیگر محل تردید می‌باشد.

۳. مبانی نظری

برای تبیین ارتباط قراردادها و نقش آنها در فرآیند توسعه لازم است که ابتدای معنای متفق‌ی از عقد را ارائه نماییم. عقد در معنای لغوی خود به معنای نوعی ربط است که چیزی به چیز دیگر پیدا می‌کند به طوری که لازم آن گردد و از آن منفک نشود (طباطبایی، ۱۳۹۳، ص. ۲۵۷) در مورد معنای فقهی عقد و قرارداد علمای اسلام سخنان متفاوتی را بیان نموده‌اند که شاید بتوان قوی‌ترین دیدگاه را دیدگاه محقق اصفهانی دانست. در نگاه ایشان عقد عبارت از دو «قرار» و عهد مرتبط با هم است؛ (حسینی حائری، ۱۳۹۶، ص. ۱۸۳). بنابراین هر عقدی، عهد است؛ ولی هر عهدی عقد نیست؛ زیرا ممکن است در مواردی تنها یک «قرار» وجود داشته باشد؛ مثل نذر. به عبارت دیگر در هر عقدی دو جهت مستقل از هم وجود دارد که منشأ انتزاع هر یک با دیگری تفاوت دارد. یک جهت عهدی که جنبه قلبی و درونی دارد و ریشه آن، قراری است که شخص با خود می‌گذارد و جهت دیگر، جنبه عقدی است که از ارتباط میان دو قراری که طرفین معامله با یکدیگر گذارده‌اند ناشی می‌شود (دادمرزی، ۱۳۷۹).

۳-۱. ریشه پیدایش قراردادها در زندگی بشری

برای تبیین ریشه پیدایش قراردادها، از نظرات علامه طباطبایی در تفسیر المیزان استفاده می‌کنیم: انسان در مسیر زندگی خود، همواره کارها و مواردی که کارهایش مربوط به آن است را به صورت امور وجودی و موجودات خارجی تصویر نموده و احکام و آثار

امور خارجی را بر آن مترتب نموده و قوانین جاری در جهان را آن‌گونه که با اهدافش مناسب باشد در آنها اجرا می‌کند. و اگر بخواهد یک عملی را - که تنها با کمک چند نفر انجام می‌شود - اداره کند چند نفر را انتخاب می‌کند، و همه آنها را یک انسان واحد فرض می‌کند و یکی از آنها را نسبت به بقیه به منزله سری فرض می‌کند که نسبت به سایر اعضا یک بدن ریاست دارد و آن یک نفر را رئیس و افراد دیگر را اعضا می‌خواند؛ آنگاه احکام یک سر خارجی را بر آن یک نفر و احکام اعضای خارجی یک بدن را بر افراد عضو و زیردست بار می‌کند و از این‌رو رابطه حقیقی انسان با اعضای بدن خویش را در ربطی اعتباری با سایر موجودات مفروض می‌دارد تا به تواند به دستاوردهای حقیقی برسد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ص. ۲۴۶). با این تبیین می‌توان قراردادهای را سازوکار قانونی اعتبار انسانی برای بهره‌مندی از مزایای اجتماعی - اقتصادی سایر افراد مجتمع انسانی دانست؛ در حقیقت انسان‌ها از طریق قراردادها اقدام به بهره‌مندی و استخدام سایر شرکای موجود در قرارداد برای تحقق اهدافشان می‌نمایند.

با این مقدمه می‌توان بیان داشت که قراردادها نوعی اعتبار برای بهره‌برداری از مزایای زندگی اجتماعی و رسیدن به سعادت اخروی است. از سوی دیگر، انسان به هر مقصدی از مقاصد خود که دست یابد و بر آن مسلط گردد اقدام به بهره‌برداری از آن می‌نماید؛ البته بهره‌برداری‌ای که مناسب با آن بوده و بتواند خود را مجهز به ادوات و وسایل بهره‌برداری از آن نماید؛ موانع فراوانی در یک جامعه اهداف و اعمال انسان را تحدید می‌نماید که او باید بر ایشان فائق آید (طباطبایی، ۱۳۹۳، ص. ۲۴۷). نظریات متفاوتی پیرامون نحوه رسیدن به تعادل اجتماعی و فائق آمدن بر تراحمات اجتماعی مطرح شده است. قراردادها می‌تواند یکی از شیوه‌های تحقق این تعادل باشد. بر اساس این رویکرد تنه و توجه انسان به این حقیقت که تحقق اهداف او در گرو رفع تراحمات و موانع اجتماعی است، او را وادار می‌کند به اینکه خود را از ناحیه رقبای خود خاطر جمع نموده و اطمینان پیدا کند علاوه بر اینکه مانع اعمال حیانتش نمی‌شوند، بلکه او را در آنچه محتاج به مساعدت و کمک است یاری می‌کنند. و در نتیجه این توجه انسان نیازمند به آن می‌شود که با رقیب‌های خود عقد و قرارداد ببندد و بدین‌وسیله عمل خود را با عمل دیگران پیوسته و مرتبط سازد، همان‌طوری که با عقد

گره) چند قطعه طناب را به هم متصل می‌سازد، و همچنین برای تحقق هدف خود نیازمند به این می‌شود که متقابلاً دیگران را با عمل خود مساعدت نموده و عقد و عهد آنان را امضا کند، و متعهد شود که مانع کار آنان نگردد (طباطبایی، ۱۳۹۳، ص. ۲۴۷).
بر این اساس انسان در یک قرارداد منافع خود را با دیگری گره می‌زند، به گونه‌ای که بتواند با استفاده از این هم‌سویی منافع نه تنها از تراحمات اجتماعی جلوگیری نماید، بلکه با استفاده از قدرت تعاون دیگران به اهداف خود سریع‌تر نائل آید. از این رو می‌توان هدف اساسی انسان از عقد قراردادها را تحفظ بر زندگی و رسیدن به مزایای آن و در نتیجه بهره‌مندی از سعادت خویش دانست.

۲-۳. جایگاه قراردادها در اقتصاد اسلامی

مهم‌ترین هدفی که نظام اقتصاد اسلامی به دنبال تحقق آن است، اقامه جریان ولایت الهی در تمامی ابعاد و مناسبات اقتصادی جامعه است؛ ولایت تکوینی الهی در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها ساری و جاری است، از این رو آنچه متمح‌نظر است، تحقق جریان ولایت تشریحی الهی در تمامی مناسبات و ابعاد اعتباری زندگی بشری است. از آنجاکه ولایت (تصرف و مالکیت) تکوینی و حقیقی جهان خلقت از آن خداوند متعال می‌باشد، بنابر قاعده عدم ولایت (محلاتی، ۱۳۸۳)، هرگونه مالکیت اعتباری و تصرف موجودات در نظام خلقت نیازمند اذن الهی برای آن می‌باشد؛ اذن تصرف مشروع و ولایت موجودات بر نعمت‌های الهی در قالب قراردادهای اسلامی به بندگان داده شده است. از این رو قراردادهای اسلامی ضمن آنکه مجرای مشروع تصرف و مالکیت موجودات در نعمت‌های الهی است، می‌تواند نهادی برای تحقق جریان ولایت تشریحی الهی نیز به‌شمار آید.

در بعد عملی نیز می‌توان برای قراردادها دو کارکرد اصلی در اقتصاد اسلامی متصور بود؛ از سویی قراردادها می‌تواند به‌عنوان ابزار تحلیل در اختیار متفکر اقتصاد اسلامی قرار گیرد تا با استفاده از آن هر یک از مناسبات اقتصادی جامعه در واحد یک قرارداد مورد تحلیل قرار گیرد. همچنین از سوی دیگر قراردادها می‌تواند به‌عنوان یک نهاد اقتصادی، در کنار سایر نهادهای اقتصادی، به سامان بخشیدن روابط اقتصادی و مبادلات کنشگران جامعه کمک نماید؛ بهره‌گیری از عقود همچون مضاربه، مباحه،

استصناع، صرف و... در حقیقت استفاده از کارکرد نهادی قراردادهای اسلامی است. آنچه پیرامون قرارداد در این مقاله مورد توجه می‌باشد، کارکرد اخیر قراردادها یعنی قراردادها به‌عنوان یک نهاد اقتصادی است.

۳-۳. نسبت قراردادها با توسعه اقتصادی

شاید بتوان قوی‌ترین پژوهشی که پیرامون نسبت نهادها و رشد و توسعه اقتصادی انجام گرفته است را مربوط به عجم اوغلو و همکارانش (۱۳۹۵) دانست. در این مقاله میزان همبستگی نهادها و عملکرد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس این پژوهش توسعه مستعمرات اروپا در اواخر قرن ۱۵ (به‌عنوان عامل برون‌زای تغییرات نهادی) باعث تغییرات نهادی در مستعمرات شد. استعمارگران در مناطق توسعه‌یافته، نفع خود را در توسعه نهادهای بهره‌کش دیدند. ولی در مناطق کمتر توسعه‌یافته - که از جمعیت کمتری نیز برخوردار بودند - تلاش کردند که نهادهای فراگیری را توسعه دهند و به آنجا مهاجرت کنند. ذکر این نکته ضروری است که امکان یا عدم امکان اسکان اروپاییان در مستعمرات و نیز سوددهی اقتصادی سیاست‌های جایگزین دو عامل اصلی در اتخاذ این سیاست توسط اروپاییان به‌شمار می‌رفت. این تغییرات نهادی سبب آن شد که نرخ رشد در مستعمراتی که نهادهای بهره‌کش در آن تأسیس شد کاهش یافته و منفی شود و این نرخ در مستعمراتی که نهادهای فراگیر در آن ایجاد شد مثبت باشد. آنچه از این پژوهش قابل توجه است، آن است که تغییرات نهادی رابطه مستقیمی با توسعه اقتصادی دارد. در حقیقت نهادها عامل اصلی در شکل‌دهی به انگیزه‌ها و تصمیمات بازیگران اقتصادی می‌باشند که بر سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی و انسانی و نیز فناوری و ساختار تولید و توزیع درآمد اثرگذار می‌باشند (Acemoglu, 2002). قراردادهای نیز به‌عنوان یک نهاد، می‌توانند چنین نقشی را ایفا نمایند. آن‌چنان‌که از مطالعات تاریخی برمی‌آید، پس از جنگ‌های صلیبی و با برقراری ثبات نسبی در اروپا، زمینه برای پیشرفت تجاری محیا گردید. در کنار توسعه راه‌ها، روش‌های کشاورزی و تمرکز بیشتر حاکمیت کشورها، افزایش مراودات بازرگانان اروپایی مخصوصاً در مناطق مدیترانه با بازرگانان اسلامی، سبب رشد و توسعه ابزارهای تجاری اروپا گردید. در این میان با توجه به محدودیت معاملات ربوی توسط کلیسا، نقش قراردادهای اسلامی در

الگوگیری تجار اروپایی برای رشد و توسعه بازرگانی، بسیار قابل توجه می‌باشد. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که قراردادهای مشارکت *commenda* که نقش ویژه‌ای در توسعه فراگیر سرمایه و نیز تسهیم ریسک معاملات تجاری بزرگ داشته است، متأثر از قرارداد مضاربه اسلامی شکل یافته است (Mirakhor, 2014).

۴. طرح بحث

اگرچه قراردادهای اسلامی، کارکردهای بسیاری متنوعی در راستای هماهنگی با ابعاد مختلف تمدن اسلامی و نیز با تمامی ابعاد انسانی در راستای تعالی و پیشرفت آفاقی و انفسی جامعه و انسان دارند، اما این کارکردها را می‌توان در افق یک طیف گسترده ملاحظه نمود که یک سوی آن کارکردهای مورد انتظار اقتصاد بالفعل نظام اسلامی و طرف دیگر آن کارکردهای آرمانی جامعه اسلامی است. در این پژوهش سعی شده است تا به روبنایی‌ترین کارکردهای قراردادهای اسلامی در جهت رشد و پیشرفت نظام اقتصادی پرداخته شود. قطعاً بررسی این مؤلفه‌ها نافی کارکردهای متعالی قراردادهای در ضمن رشد و تعالی جامعه اسلامی در مواجهه با سطوح بالاتری از پیشرفت اقتصادی نخواهد بود. بر این اساس، در این بخش ابتدا به بررسی کارکردهای قراردادهای اسلامی در رفع درونی موانع پیشرفت اقتصادی (که در ادبیات نهادی شامل هزینه‌های مبادله و شکست بازار می‌شود)، پرداخته می‌شود و در ادامه نسبت برخی از مؤلفه‌های اصلی پیشرفت اقتصادی در ادبیات نهادی با قراردادهای اسلامی بررسی خواهد شد.

۴-۱. نقش قراردادهای اسلامی در کاهش هزینه‌های مبادله و شکست بازار

قراردادها می‌توانند بسیاری از تعاملات انسانی که در حاشیه یک معامله صورت می‌پذیرد را تحلیل نمایند. بر مبنای نگاه نهادگرایان، یکی از اساسی‌ترین مسائلی که در هر قرارداد مورد توجه می‌باشد هزینه‌های انجام یک مبادله می‌باشد. هزینه مبادله می‌تواند به‌طور مستقیم بر توسعه اقتصادی اثرگذار باشد (North, 1987). بر این اساس به بررسی هزینه‌هایی که می‌تواند برای شکل‌گیری یک تعامل اقتصادی ایجاد شود پرداخته و راه‌حل کاهش این هزینه‌ها با توجه به آموزه‌های اسلامی مربوط به قراردادها را بررسی می‌نماییم:

۴-۱-۱. هزینه‌های سنجش و اندازه‌گیری

از جمله هزینه‌های جانبی قراردادها که عدم وجود آن سبب ایجاد مشکلات فراوانی در مبادلات اقتصادی همچون شکل‌گیری قراردادهای ناقص، عدم توانایی اعمال قرارداد، ضرر طرفین معامله به علت عدم شناخت دقیق کالا یا خدمات و... می‌شود، هزینه‌های اندازه‌گیری می‌باشد؛ هزینه‌های اندازه‌گیری در حقیقت کلیه هزینه‌های ناشی از اندازه‌گیری دقیق خصوصیات محصول یا خدمات ارائه شده می‌باشد که تأثیر مستقیمی بر توسعه اقتصادی دارد (North, 1987) در رویکردهای بازاری به مبادله اقتصادی این‌گونه هزینه‌ها مورد تحلیل قرار نمی‌گیرد؛ در حالی که این هزینه‌ها در عمل می‌توانند مشکلات زیادی را برای یک تعامل اقتصادی بیافرینند. برخلاف رویکرد بازاری، در رویکرد هزینه مبادله و قراردادی، محاسبه و تحلیل این پدیده و نیز تلاش برای جلوگیری از شکل‌گیری آن نقش ویژه‌ای در تحلیل‌ها ایفا می‌نماید. برخلاف راه‌حل‌های نهادی فراوانی که برای حل مشکلات ناشی از این‌گونه از هزینه‌ها ارائه شده است، در نظام اقتصاد اسلامی قراردادها به‌گونه‌ای سامان یافته است که از شکل‌گیری این نوع از مشکلات در ابتدای یک تعامل اقتصادی جلوگیری نماید. بدین صورت که یکی از شرایط صحت عقود مشخص بودن اندازه، جنس و اوصاف کالا یا خدمات مورد معامله می‌باشد (عاملی جبعی، ۱۳۹۲، ص. ۳۷). برخلاف رویکرد رایج در کشورها نسبت به قراردادهای که در آن قرارداد نوعی تعهد و توافق طرفینی برای پذیرش برخی تعهدات است که به صورت قانونی دارای ضمانت اجرایی است (Ryan, Fergus, 2006)، عقود و قراردادهای در اسلام تنها عامل ایجاد الزام به تعهدات برای طرفین یک معامله نمی‌باشد، بلکه خود، عامل انتقال مالکیت، ارائه خدمات و ایجاد حق است (حسینی حائری، ۱۳۹۶، ص. ۱۸۳). بنابراین در صورتی که شرایط صحت یک قرارداد توسط طرفین معامله رعایت نشود، به مثابه آن است که اصلاً انتقال مالکیتی صورت نگرفته است (معامله از ابتدا باطل بوده است). از این رو عدم افشا و یا افشای ناقص مشخصات کالای مورد معامله در یک قرارداد، با توجه به تعریف قرارداد در اسلام سبب فسخ پیشینی قرارداد خواهد شد و تعهدی برای طرفین یک قرارداد نسبت به رعایت مفاد قرارداد در چنین شرایطی وجود نخواهد داشت.

همچنین از جمله راهکارهای دیگر برای جلوگیری از مشکلات ناشی از اندازه‌گیری در قراردادهای اسلامی، وجود انواع مختلف حقوق خیار فسخ یا دریافت ارش برای طرفین معامله می‌باشد (عاملی جبعی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۱) که موجب جلوگیری از ایجاد انگیزه پنهان‌سازی اطلاعات و به اشتباه انداختن طرفین معامله می‌شود.

۴-۱-۲. هزینه‌های گزایشات متفاوت اخلاقی

از جمله هزینه‌های مبادلاتی که می‌تواند بر رشد اقتصادی اثرگذار باشد، تفاوت‌های ایدئولوژیکی بازیگران اقتصادی است (North, 1987). برخلاف دیدگاه‌های کلاسیک که بازیگران اقتصادی را به صورت همگن در نظر می‌گیرد، در یک رویکرد واقعی، فعالین اقتصادی می‌توانند دارای گزایشات ایدئولوژیک، اخلاقی، خصوصیات و نیز ارزش‌های متفاوتی باشند که بر یک تعامل اقتصادی اثرگذار است. نکته قابل توجه آن است که تخصصی‌سازی و تقسیم نیروی کار گرچه می‌تواند به افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی کمک نماید ولی از سوی دیگر سبب افزایش تفاوت جهان‌بینی و درک افراد نسبت به واقعیت و در نتیجه تفاوت در دیدگاه‌های پیرامون ساخت عادلانه نهادی و نیز ترتیبات نهادی جامعه، می‌شود. عدم انطباق قراردادها از جهت عملی و نظری، تفاوت در نحوه پایبندی به تعهدات قراردادی جامعه، تفاوت و واگرایی در ارزش‌های حاکم بر زندگی اقتصادی جامعه، عدم توانایی اعتماد به ادراک بازیگران پیرامون اخلاق قراردادی - به سبب عدم وجود ادراک مشترک از ارزش‌های اخلاقی - ... از جمله آسیب‌هایی است که می‌تواند به سبب تفاوت‌های ایدئولوژیکی ظاهر شود. برخلاف یک جامعه لیبرال، نهادها در نظام اجتماعی اسلام در نسبت با یکدیگر و متناسب با اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی شکل می‌یابند. برای مثال تعاون یکی از نهادهای اجتماعی حاکم بر تعاملات اجتماعی جامعه اسلامی است. این نهاد به عنوان یکی از اصول حاکم بر قراردادها نیز به شمار می‌آید (عاملی جبعی، ۱۳۹۲، ص. ۲۷۰). یک قرارداد باید به گونه‌ای تنظیم شود که منافی اصل تعاون نباشد. یا به عنوان مثال دیگر، یکی از اصول حاکمیت سیاسی جامعه اسلامی، اصل نفی سبیل^۱ است که مصداق هماهنگی نهادهای اقتصادی با آن اصل ممنوعیت فروش و اجاره سلاح و وسایل حمل و نقل به دشمنان اسلام می‌باشد (عاملی جبعی، ۱۳۹۲، ص. ۱۰). در حقیقت نظام اجتماعی اسلام کل

واحدی است که تمامی ابعاد فردی و اجتماعی انسان را در بر گرفته و ایشان را به تعادل می‌رساند. بر این اساس قراردادها در یک نظام اسلامی در نسبت با سایر ارزش‌های جامعه اسلامی شکل می‌یابند و از ساخت واحدی پیروی می‌نمایند، به طوری که نمی‌توان قراردادهای اسلامی را نهادی خالی از ارزش تصور نمود. از این رو این امر موجب کاهش آسیب‌های عدم انطباق و تعادل قراردادها و ترتیبات نهادی جامعه می‌شود. به بیان دیگر هماهنگی ساخت نهادهای اقتصادی و اجتماعی یک جامعه همچون قراردادها با ارزش‌های اجتماعی بازیگران اقتصادی آن جامعه و نیز شکل‌گیری ارزش‌ها و اصول اخلاقی این بازیگران مبتنی بر آرمان‌ها و اصولی واحد سبب می‌شود تا نهادهای غیررسمی جامعه هماهنگ با نهادهای رسمی آن شکل یافته و در جهت پیشبرد مناسبات اجتماعی و اقتصادی سامان یابند. مثلاً در چنین جامعه‌ای بازیگران تعریف یکسانی از خلف وعده دارند و قبح آن را به یک اندازه ارزیابی می‌نمایند، از این رو در زمان انجام یک معامله متناسب با این ارزش واحد رفتار خواهند کرد؛ در کنار این مسئله نهادهای رسمی به گونه‌ای سامان می‌یابند تا از ایجاد این نابهنجاری مشترک اخلاقی در ضمن قرارداد جلوگیری نمایند (مثلاً با تأکیدات قرآن کریم بر لزوم وجود شاهد و مکتوب نمودن قرارداد).

رویکرد غایت‌نگرانه^۳ ادیان الهی همچون نظام اسلامی سبب آن شده است تا ضمن احترام به سلاقی و هویت‌های فردی، شکل‌دهی به مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی مشترک نیز مدنظر قرار گیرد؛ با این هدف که بتوانند ضمن جلوگیری از واگرایی عقیدتی جامعه، وحدت و همگرایی جامعه را افزایش دهند. بر این اساس در چنین شرایطی اشکالات و آسیب‌های ناشی از تفاوت‌های ایدئولوژیک بسیار محدود می‌شود.

۴-۱-۳. ساخت اجتماعی محیط مبادله (بازار)

بازیگران بازارهای مدرن با فک‌شدگی از سایر نهادها، ارزش‌ها و فرهنگ‌های شخصی خود (پولانی، ۱۳۹۱، ص. ۲۲)، وارد محیطی می‌شوند که منطق اصلی در آن حداکثرسازی سود است. همچنین برخلاف سایر محیط‌های تعاملی، محور اصلی تعاملات در بازارها، قیمت کالا و خدمات است. بر این اساس عمده تعاملات نه بر

اساس شبکه‌های اجتماعی - مکانی و یا سایر نهادهای اجتماعی همچون خویشاوندی، دوستی و.. بلکه صرفاً براساس هویت قیمتی طرفین معامله شکل می‌یابد. عدم وجود روابط خویشاوندی، دوستی و وفاداری‌های شخصی افراد نسبت به این شبکه‌های اجتماعی در صورت جدید ارتباطات بازیگران اقتصادی باعث ایجاد هزینه‌هایی همچون نقض تعهدات، کژمنشی^۴ و... برای طرفین معامله می‌شود که می‌تواند توسعه و رشد اقتصادی را با افزایش ریسک معاملات و در نتیجه کاهش ورود بازیگران به بازار متأثر نماید. (North, 1987) برخلاف رویکرد تعاملی موجود در نظام بازاری مدرن، رویکرد قراردادی خود را از سایر نهادهای اجتماعی جدا نمی‌سازد و حتی بسیاری از قراردادها در بستر سایر نهادهای اجتماعی همچون خویشاوندی شکل می‌گیرد. بر این اساس در این رویکرد جدید با توجه به هماهنگی نهادهای اقتصادی با سایر نهادهای جامعه و با توجه به آنکه صله رحم و حفظ ارتباطات خویشاوندی و برادری و دوستی میان مسلمانان از جمله دستور مؤکد شریعت اسلامی است، بازیگران اقتصادی در یک جامعه اسلامی می‌توانند از این بستر تعاملی به‌عنوان ظرفیتی برای گسترش مبادلات بلندمدت، پایدار و مکرر استفاده نمایند. شکل‌گیری قراردادهای اقتصادی در ضمن شبکه‌های اجتماعی و مکانی افراد همچون خویشاوندی، همسایگی و... با بهره‌گیری از مسئولیت‌ها و تعهدات پیشینی افراد در ضمن شبکه‌های اجتماعی ایشان، از ایجاد آسیب‌هایی چون نقض تعهدات، کژمنشی و... جلوگیری می‌نماید. در شبکه‌های اجتماعی و مکانی که طرفین قرارداد اطلاعات فراوانی درباره یکدیگر دارند و اقدام به انجام مبادلات و قراردادهای طولانی‌مدت و تکراری می‌کنند انگیزه عدم پایبندی به مفاد قرارداد بسیار کاهش می‌یابد. این پدیده در جوامعی روی می‌دهد که پیوندهای خویشاوندی و برادری محکمی در میان مردم حاکم باشد (شریف زاده، ۱۳۹۰).

همچنین برخلاف رویکرد نئوکلاسیکی که در آن دنبال کردن منافع شخصی اصل است در چنین شرایطی همکاری اصلی است که منافع طرفین را در خود تضمین می‌نماید (ویلیامسون، ۲۰۰۵، ص. ۲۳۵).

یکی دیگر از راهکارهای اسلام در جهت کاهش این‌گونه از هزینه‌ها، تأکیدات شریعت اسلامی بر عدم تمرکزگرایی اقتصادی و شکل‌دهی به برخی از نهادهای مالی

اسلامی در راستای حمایت‌های محلی است که این امر سبب توسعه متوازن در کشور خواهد شد. پرداخت محلی ذکات و اولویت استفاده از آن برای رونق و آبادانی همان محل (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ص. ۳۴۹) و نیز اولویت پرداخت صدقه به نزدیکان و نیازمندان محلی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص. ۱۰۴) از جمله مصادیق این موضوع است.

۴-۱-۴. قدرت اعمال قرارداد

از جمله هزینه‌های مبادلاتی که بر رشد اقتصادی اثرگذار است، هزینه اعمال قراردادها می‌باشد (North, 1987). در ادبیات رایج نهادی اعمال قراردادها از دو طریق اعمال خصوصی و اعمال دولتی و قانونی صورت می‌پذیرد. هر دو شیوه می‌تواند هزینه‌های فراوانی را همچون هزینه استخدام وکیل خصوصی برای استیفای حقوق و یا هزینه‌های بروکراسی و.. برای طرفین معامله داشته باشد که گاهی این هزینه‌ها باعث عدم شکل‌گیری قراردادها و مبادلات می‌شود (رولاند، ۱۳۹۶، صص. ۳۱۲-۳۱۳).

برخلاف رویکرد نئوکلاسیکی که در آن تنها عامل محدودکننده رفتار فردی، قوانین و میزان اثرگذاری آنها در اعمال است (North, 1987). در رویکرد اسلامی مبادلات و قراردادها در بستر قوانین محدودکننده بیرونی و دورنی شکل می‌یابند که عدم التزام به آنها ضمن آنکه باعث عقوبت اخروی می‌شود، می‌تواند مانع انتقال مالکیت (منعقد شدن قرارداد) شود. در حقیقت در رویکرد اسلامی، قراردادها به‌گونه‌ای شکل می‌گیرند که به‌صورت درون‌زا مانع شکل‌گیری هزینه‌هایی چون عدم پایبندی طرفین به تعهدات شوند. از جمله عوامل محدودکننده بیرونی که از آسیب‌های ناشی از عدم پایبندی به قرارداد جلوگیری می‌نماید، مکتوب کردن قراردادها و نیز نظارت طرف ثالث بر انعقاد قرارداد می‌باشد.^۵ همچنین شرط افشای اطلاعات از سوی طرفین معامله و نیز لزوم رشد عقلی معامله‌گران - برای اشراف به مفاد قرارداد و نیز جلوگیری از سستی در اجرای قرارداد به علت عدم فهم صحیح از حقوق و تعهدات - از عوامل محدودکننده دیگری می‌باشد که عدم التزام به آن می‌تواند معامله را باطل نماید. یکی دیگر از اصول حاکم بر قراردادهای اسلامی، لزوم اراده طرفین معامله - و رضایت آنها نسبت به تمام مفاد قرارداد در حالت هشیاری و بدون فشار خارجی - (عاملی جمعی، ۱۳۹۲، ص. ۱۹). به مفاد قرارداد و قصد انجام حقیقی مفاد آن می‌باشد (حسینی حائری، ۱۳۹۶، ص.

۴۱۳). بر این اساس قرارداد بازیگرانی که از ابتدای انعقاد با نیت عدم پایبندی به مفاد آن و یا اجرای سوری مفاد آن شکل می‌گیرد از اصل باطل می‌باشد و مانند آن است که قراردادی از ابتدا منعقد نشده باشد^۶ (حسینی حائری، ۱۳۹۶، ص. ۶۸) این اصل می‌تواند به صورت پیشینی از کژمنشی طرفین قرارداد نیز جلوگیری نماید. از جمله عوامل درونی بازدارنده، دستورات اخلاقی و دینی اسلام همچون آیات شریفه «یا ایها الذین آمنوا لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض منکم...» و «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود...» و «... وأوفوا بالعهد إن العهد کان مسؤلاً» می‌باشد که به صورت عامل بازدارنده درونی افراد را از تعدی به اموال دیگران و عدم پایبندی به تعهدات باز می‌دارد. انگیزش‌های درونی طرفین قرارداد در پایبندی ایشان به مفاد قرارداد نقش مهمی را ایفا می‌نماید.

۴-۲. نقش قراردادهای اسلامی در تضمین حقوق مالکیت

حقوق مالکیت و تحدید دقیق آن، یکی از نهادهای تأثیرگذار بر رشد و توسعه اقتصادی است (Acemoglu, 2002). در جوامعی که حقوق مالکیت به خوبی تعریف شده و برای تمامی اقشار جامعه قابل استیفا باشد، انگیزه سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری و نیز انگیزه خلاقیت و نوآوری بیشتر خواهد بود و در نتیجه شاهد رشد و توسعه اقتصادی خواهیم بود (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۵، ص. ۱۹۴). در نظام اقتصادی اسلام، حقوق مالکیت و مالکیت خصوصی - در طول مالکیت الهی - به رسمیت شناخته شده است و به شدت از تعدی به حقوق دیگران نهی شده است؛ همان‌گونه که اکل مال بالباطل نیز مطابق آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض منکم و لا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً»^۷ به عنوان یکی از اصول کلی فقه اسلامی مورد تحریم قرار گرفته است. این حق مالکیت، از جانب خداوند متعال و بر اساس منصب خلافت الهی انسان به او اعطا شده است. و نیز بر اساس آیه شریفه «وهو الذي جعلکم خلائف الارض و رفع بعضکم فوق بعض درجات لیبلوکم فی ما آتاکم ان ربک سریع العقاب و انه لغفور رحیم»^۸ این مالکیت به انسان‌ها به صورت مطلق تفویض نشده است و در حقیقت مالکیت برای انسان در مقابل خداوند متعال و مجتمع انسانی مسئولیت‌آفرین است. مسئولیت اصلی انسان در قبال حق مالکیت خصوصی، حفظ و بهره‌برداری

صحیح از آن در مسیر حیات طیبه و قرب الهی است. همچنین با توجه به آنکه انسان نسبت به حق مالکیت خود در قبال جامعه مسئول می‌باشد، نمی‌تواند مالکیت خصوصی را به ابزاری برای آسیب به جامعه^۹ و یا بهره‌کشی از دیگران تبدیل نماید (صدر، ۱۳۹۳، صص. ۲۳۱-۲۳۷). این رویکرد به مالکیت خصوصی، از معطل ماندن سرمایه‌های جامعه جلوگیری می‌نماید و در صورتی که مالک اقدام به بهره‌وری از ما یملک خود به صورت بهینه ننماید، حاکم اسلامی می‌تواند مالک را توبیخ نماید؛ بر این اساس ماهیت مالکیت خصوصی و حقوق مالکیت در یک نظام اسلامی می‌تواند به‌تنهایی موجبات رشد و توسعه اقتصادی جامعه را فراهم نماید.

قراردادها در نظام اسلامی به‌گونه‌ای طراحی شده است که حقوق مالکیت افراد در آن محترم شمرده شده و از اجحاف این حق برای طرفین قرارداد جلوگیری به عمل آید. در این قراردادها برخلاف رویکرد سرمایه‌داری که در آن، تنها مالکیت اعیان و مالکیت حقوق معنوی مورد توجه قرار گرفته است، مالکیت کار فردی نیز مورد توجه واقع شده است. در این قراردادها استعمار مالکیت کارگران بر کار خودشان از طریق مالکیت ابزار تولید مورد تحریم و غیر قابل قبول تلقی شده است^{۱۰} و از این طریق مالکیت کارگران به رسمیت شناخته می‌شود (صدر، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۷). همچنین برخلاف الگوهای نئوکلاسیک که در آن توزیع اولیه و پیش از تولید منابع از طریق سازوکار بازاری صورت می‌گیرد، در نظریه توزیع منابع پیش از تولید در نظام اسلامی (ن. ک به: صدر، ۱۳۹۳) حقوق مالکیت کلیه افراد جامعه بر منابع طبیعی اولیه به رسمیت شناخته شده است؛ این امر موجبات جلوگیری از شکل‌گیری نهادهای بهره‌کش و مالکیت استثماری بر منابع اولیه ثروت جامعه را فراهم می‌نماید.

۳-۴. نقش قراردادهای اسلامی در افزایش دسترسی عادلانه مردم به منابع و امکانات

آن‌چنان‌که در مبانی نظری نیز بدان اشاره شد، دسترسی آزاد مردم به منابع، توسعه نهادهای فراگیر و نیز توانایی دولت در اعمال قوانین را می‌توان از جمله عوامل رشد و توسعه اقتصادی کشورها دانست. از سوی دیگر توسعه نهادهای بهره‌کش و به تبع آن نابرابری اقتصادی یکی از موانع توسعه اقتصادی است. نابرابری اقتصادی از دو طریق می‌تواند مانع رشد اقتصادی شود؛ در کشورهای دموکراتیک طبقات کم‌برخوردار به اخذ

مالیات از ثروتمندان رأی می‌دهند که این مالیات‌ها می‌تواند اختلالات اقتصادی وسیعی را ایجاد نماید. مالیات بر درآمد موجب کاهش عرضه نیروی کار و نیز مالیات بر سرمایه منجر به کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری می‌شود. از سوی دیگر اگر فقر و نابرابری در کشوری حاکم باشد و طبقات کم‌برخوردار در اخذ وام جهت ورود به فعالیت‌های کارآفرینانه و یا توسعه کسب‌وکار خود ناتوان باشند، کسب‌وکار و ثروت در جامعه فراگیر و گسترده نبوده و در اختیار قشر خاصی از جامعه قرار می‌گیرد و در نتیجه رشد اقتصادی محدود می‌گردد (رولاند، ۱۳۹۶، صص. ۹۸-۱۰۰). براین اساس توسعه نهادهای فراگیری که بتواند انگیزه سرمایه‌گذاری را افزایش داده و نیز سرمایه را به صورت فراگیر در اختیار کارآفرینان و نوآوران قرار دهد یکی از مؤلفه‌های اساسی برای توسعه اقتصادی به حساب می‌آید. در کنار توجه شریعت اسلامی به توزیع پیشینی منابع طبیعی در راستای رعایت عدالت پیش از تولید و در اختیار گذاشتن فرصت برابر تولید برای همه آحاد جامعه، الگوهای قراردادی اسلامی نیز به گونه‌ای سامان یافته‌اند که مشوق توسعه فراگیر در جامعه و جلوگیری از انحصار و رانت طبقه محدودی از افراد جامعه شوند. برای مثال مضاربه یکی از قراردادهایی می‌باشد که به رشد فراگیر اقتصادی کمک می‌نماید. در این قرارداد سرمایه‌گذار سرمایه خود را برای تجارت و تولید، در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد و در انتهای قرارداد درصدی از سود حاصله بنابر توافق به طرفین قرارداد خواهد رسید. کلیه ریسک سرمایه نیز در این قراردادها بر عهده صاحب سرمایه می‌باشد. این گونه از قراردادها کمک می‌نمایند تا علاوه بر آنکه سرمایه به سمت فعالیت‌های تولیدی و تجاری هدایت شود، در انحصار عده محدودی قرار نگرفته و به صورت فراگیر در اختیار متقاضیان قرار گیرد. همچنین ویژگی تسهیم ریسک در قرارداد مضاربه و نیز سایر قراردادهای مشارک اسلامی، امکان سرمایه‌گذاری‌های بزرگ را برای فعالین اقتصادی فراهم می‌نماید. تجربه تاریخی رشد اقتصادی برخی از کشورها همچون ایتالیا که از قراردادهایی همچون مضاربه استفاده کرده‌اند مؤید این بحث می‌باشد (عجم اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۵، صص. ۱۹۳-۱۹۴). سایر قراردادهای اسلامی همچون شرکت و نیز قراردادهای مبتنی بر تعاون نیز چنین کارکردی را ایفا می‌نمایند.

ابداعات نوین قراردادی یکی از بسترهای انعطاف‌پذیری قراردادهای اسلامی می‌باشد که می‌تواند در راستای تطابق قراردادهای اسلامی با نیازهای متغیر زمان بسیار کارا باشد. از جمله این ابداعات، قراردادهای تکافل اسلامی است. در این قراردادها علاوه بر آنکه سرمایه‌های خرد جامعه در مسیر تولید و فعالیت اقتصادی جهت‌دهی می‌شود، پوشش ریسک اعضای مشارکت‌کننده و نیز کمک به سایر برادران دینی برای پوشش خطرات ناشی از مخاطرات، به‌عنوان ابزاری برای افزایش انگیزه سرمایه‌گذاری مشارکت‌کنندگان ایجاد می‌شود.

اصول حاکم بر قراردادهای اسلامی همچون منع اخذ ربا، حمایت از تعاون اسلامی و... نیز یکی دیگر از ابعاد حمایتی اسلام در راستای جلوگیری از انحصار سرمایه در دست طبقات معدودی از جامعه و نیز جلوگیری از کارکرد سرمایه در فعالیت‌های نامولد اقتصادی می‌باشد. همچنین در کنار این اصول، نهادهای مالی خاصی چون خمس و ذکات نیز تعبیه شده است که یکی از اصلی‌ترین کارکردهای آنها را می‌توان جلوگیری از حبس سرمایه و کمک به جریان افتادن سرمایه در جهت آبادانی دانست.

۴-۴. نقش قراردادهای اسلامی در افزایش کارایی و بهره‌وری

یکی از کارکردهای نهادها افزایش کارایی و بهره‌وری نظام اقتصادی است (Hall & Jones, 1999). مطالعات فراوانی نشان می‌دهد که افزایش بهره‌وری یکی از اصلی‌ترین موتورهای رشد و توسعه سریع اقتصادی محسوب می‌شود (Hall & Jones, 1999). قراردادها به‌عنوان یک نهاد اقتصادی می‌توانند این مهم را تحقق بخشند. نوع و ماهیت یک قرارداد می‌تواند تأثیر مستقیمی بر عملکرد طرفین قرارداد داشته باشد. در قراردادهایی همچون مضاربه، تکافل، مزارعه، مساقات و... درآمد کارگزار به‌عنوان درصدی از سود کل و یا میزان مشخصی از محصول تولید شده تعیین می‌شود، درحقیقت منافع کارگزار قرارداد با نحوه عملکرد او در اجرای تعهدات گره می‌خورد و این می‌تواند انگیزه بهبود عملکرد را برای او در پی داشته باشد. همچنین قراردادهای مشارکتی و تعاونی نیز از این سنخ از قراردادها می‌باشند؛ چون در آن منافع طرفین معامله به عملکرد یکدیگر گره می‌خورد. از جمله هزینه‌های مبادله که می‌تواند بر بهره‌وری اقتصادی اثرگذار باشد و حتی مانع شکل‌گیری مبادلات اقتصادی گردد کژمنشی^{۱۱} و کژگزینی^{۱۲} می‌باشد.

کژگزینی زمانی ایجاد می‌شود که یکی از طرفین معامله آن‌گونه که واقعاً می‌باشد خود یا کالا و خدماتش را معرفی نکند و طرف مقابل را به خطا و اشتباه اندازد (Gruber, 2013, p. 331) این آسیب می‌تواند منجر به هدایت کار و سرمایه به سمت قراردادهای کم‌بازده شود. همچنین کژمنشی در زمانی پدیدار می‌شود که در آن یکی از طرفین قرارداد مطابق با مفاد قرارداد عمل نمی‌نماید. (Gruber, 2013, p. 334) قراردادهای عملکردمحوری همچون مضاربه و نیز وجود قراردادهایی همچون جعاله و استصناع که در آن نتیجه عمل عامل هدف قرارداد می‌باشد و راه تحقق آن موضوعیت ندارد، و همچنین وجود مجموعه متنوعی از اختیارات می‌تواند این دو آسیب معاملات را کاهش داده و بهره‌وری اقتصادی را افزایش دهد. شرط افشای کامل اطلاعات در کنار شرط اراده تنجیز عقد از جانب طرفین معامله نیز از جمله ابزارهای دیگری می‌باشند که ریسک کژگزینی و نیز کژمنشی را در قراردادها کاهش می‌دهند؛ در صورتی که یکی از طرفین قرارداد، اراده و انگیزه عمل به مفاد یک معامله را نداشته باشد و نیز با کتمان برخی ویژگی‌های متعاقد قصد عدم رعایت صحیح شروط و ویژگی‌های قرارداد را داشته باشد، بنابر شرط تنجیز عقد، پیش از آنکه بخواهد عدم پابندی خود را اظهار نماید، قرارداد او صحیح نخواهد بود. مثلاً در صورتی که شخصی مطابق با یک قرارداد متعهد به ساخت یک ساختمان ۵ طبقه شود، ولی از ابتدای قرارداد، قصد ساخت تنها ۲ طبقه از ساختمان را داشته باشد، پیش از آنکه اقدام به ساخت ساختمان نماید، از آنجاکه اراده عدم پابندی به مفاد قرارداد را داشته است، قرارداد او نافذ نخواهد بود.

۵. مدل مفهومی

در بخش‌های قبلی به اختصاصات خاص قراردادهای اسلامی که سبب کارآمدی آنها برای تحقق رشد و پیشرفت اقتصادی می‌شود، اشاره شد. در یک دسته‌بندی کلی این ویژگی‌ها را می‌توان در محورهایی چون، اختصاصات جوهری، اختصاصات ارزشی، اختصاصات انسانی، ابزارهای ضمنی قرارداد و شروط قرارداد خلاصه نمود.

تعریف خاص قراردادها در فقه شیعه سبب آن شده است که قراردادهای اسلامی جایگاه فعالی در مبادلات اقتصادی داشته و نیز از ضمانت اجرایی بالایی برخوردار باشد، به طوری که قرارداد اسلامی به طور مستقیم منشأ جعل یک رابطه اعتباری میان

طرفین قرارداد است و تنها یک تعهد نمی‌باشد (حسینی حائری، ۱۳۹۶، ص. ۲۹۱)؛ از این رو می‌تواند به صورت مستقیم مالکیت و ولایت طرفین را برای کالای مورد معامله منتقل نماید. از دیگر ویژگی‌های جوهری قراردادهای اسلامی انعطاف بالای آن در سازگاری با نیازهای مختلف اقتصادی است به طوری که می‌تواند با بهره‌گیری از توان ابداعات نوین قراردادی (حسینی حائری، ۱۳۹۶، ص. ۲۷۱)، متناسب با شرایط جدید اقتصادی و نهادهای نوین اقتصادی - مانند بانک، بورس، شرکت‌های سهامی و... - مرجعیت خود در سامان‌دهی به مناسبات اقتصادی را از دست ندهد.

از جمله اختصاصات دیگر قراردادهای اسلامی، ویژگی‌های ارزشی آن است. قراردادهای اسلامی تنها یک تکنولوژی اجتماعی خالی از هنجارها و ارزش‌ها نمی‌باشد. بلکه بسیاری از هنجارها و ارزش‌های اخلاقی نیز در بطن آن قرار دارد. از این رو می‌توان گفت که دنبال کردن رشد و توسعه اقتصادی با رویکرد قراردادی اسلامی سبب می‌شود که نه تنها رشد اقتصادی محقق گردد، بلکه در ضمن آن سایر فضایل و ارزش‌های انسانی نیز همچون تعاون، راست‌گفتاری و راست‌منشی، انفاق و حمایت از فقرا و... محقق گردد. در حقیقت قراردادهای اسلامی یک مبادله اقتصادی را از سایر نهادهای جامعه منفک نکرده و در ضمن نهادهای اجتماعی و با بهره‌گیری از ظرفیت آنها آسیب‌های یک تعامل بازاری را به حداقل می‌رساند.

مسئله هماهنگی ارزشی یکی از چالش‌های مبادلات بازاری به‌شمار می‌رود که می‌تواند هزینه‌های جانبی زیادی را برای شکل‌گیری یک مبادله بر طرفین آن تحمیل نماید. (North, 1987) آن‌چنان‌که اشاره گردید قراردادهای اسلامی ظهور ولایت الهی در بستر نظام اقتصادی اسلام است؛ در حقیقت اسلام برای تنظیم مناسبات میان اعضای جامعه و نیز سایر ارکان آفرینش از بستر ولایت الهی بهره می‌برد. این ولایت در بعد تکوینی به صورت مابعدالطبیعی به تنظیم‌گری مناسبات آفرینش می‌پردازد. اما در بُعد تشریحی نیز با بهره‌گیری از برخی ابزارها و نهادها، روابط میان انسان‌ها با یکدیگر و سایر موجودات تنظیم می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۹۴، صص. ۱۲۳-۱۲۵) از این رو از آنجاکه قراردادهای اسلامی نیز بخشی از نهادهای اعتبار شده در راستای تسری جریان ولایت الهی به عرصه نظام اقتصادی است، این نهاد در هماهنگی کامل با سایر ابعاد

تشریحی اسلام همچون هنجارها و ارزش‌های اسلامی شکل یافته است. به عبارت دیگر می‌توان گفت تمامی نهادهای اعتباری اسلام در عرصه‌های مختلف در حقیقت ظهور حقیقتی واحد در اشکال متفاوت است (حقیقت واحدی است که در بعد اعتبار متکثر شده است). بنابراین قراردادهای اسلامی را می‌توان روی دیگر ارزش‌های اخلاقی اسلامی که برای سامان دهی به مناسبات اجتماعی ایجاد شده‌اند، دانست.

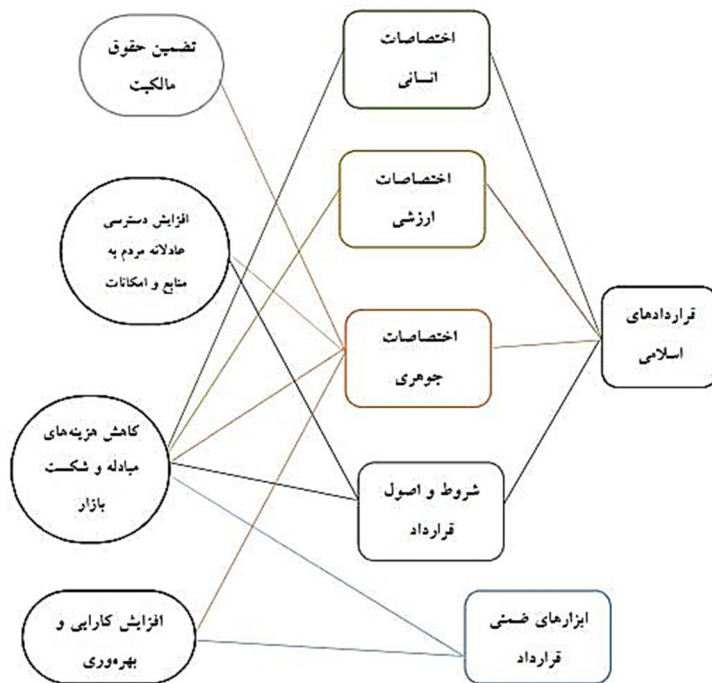
قراردادهای اسلامی به‌عنوان حقیقتی مجرد از کنش‌گران آن شکل نیافته است. از این‌رو نقش طرفین قرارداد در شکل‌دهی به ساخت قراردادهای قابل توجه است. توجه به حالات روحی - انگیزه‌های درونی - و جسمی متعاقدین (عاملی جمعی، ۱۳۹۲، ص. ۱۹)، تأثیر اراده کنش‌گران در تنجیز قرارداد (حسینی حائری، ۱۳۹۶، ص. ۴۱۳)، تأثیر موقعیت مکانی طرفین قرارداد در فعلیت برخی اختیارات (عاملی جمعی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۱) و... از جمله عوامل انسانی مؤثر در ساخت قراردادهای اسلامی همچون سایر نهادهای دینی، تنها دارای ساختی مکانیکی برای تحقق یک معامله نیست، بلکه از ساختی غایت‌نگرانه تشکیل شده است. از این‌رو غایات و انگیزه‌های انسانی نقش به‌سزایی در پیش‌برد یک قرارداد ایفا می‌نماید.

تأثیرات کنشگر اقتصادی و قراردادهای دو طرفه است. همان‌گونه که انگیزه فاعل می‌تواند بر قرارداد اثرگذار باشد، قراردادهای نیز می‌تواند کنش فاعلین قرارداد را متأثر نماید (رولاند، ۱۳۹۶، صص. ۵۲۲-۵۲۷)؛ مدت زمان اجرای یک قرارداد، نحوه تسهیم ریسک در یک قرارداد، قوانین خروج از یک قرارداد، نحوه پاداش‌دهی به طرفین، مالکیت پیشینی و پسینی طرفین قرارداد و... از جمله کانال‌های تأثیرگذاری یک قرارداد بر انگیزه‌های فاعلین آن می‌باشد (استرم، ۱۳۹۴، ص. ۳۱۲) ساخت مناسب یک قرارداد می‌تواند انگیزه طرفین آن را برای مشارکت در یک سرمایه‌گذاری بلندمدت تحت تأثیر قرار دهد. مثلاً تسهیم ریسک که در قراردادهای مشارکت اسلامی و مضاربه صورت می‌پذیرد و سبب افزایش انگیزه سرمایه‌گذاری‌هایی با حجم و ریسک زیاد خواهد شد.

از جمله ابعاد دیگر اختصاصات انسانی قراردادهای اسلامی، پویایی و تکامل قراردادهای با نحوه تعامل و تکامل کنشگران اقتصادی می‌باشد. از آنجاکه قراردادهای به‌عنوان یک پدیده انسانی در نسبت با تعاملات انسانی و البته مبتنی بر چهارچوب‌های

شرعی شکل می‌یابند، نحوه سعه وجودی مشارکت‌کنندگان در یک قرارداد می‌تواند آن را نیز متأثر نماید به طوری که هرچه جامعه در مسیر کمال خود گام بردارد قراردادها نیز متکامل تر می‌شود. برای مثال اگرچه فعالیت اقتصادی و کسب سود در اسلام - حداقل به نحو ضمنی و غیراصیل - به رسمیت شناخته شده است (کلینی، ۱۳۶۶، ص. ۱۶۸)، اما همان‌گونه که از معارف دینی نیز برمی‌آید کمال مجتمع انسانی در افزایش وحدت و همکاری متقابل است. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ص. ۲۴۶) از این رو هرچه جامعه همدل‌تر شده و به وحدت بیشتری برسد، قراردادهای مورد استفاده در این جامعه نیز تکامل می‌یابد و مثلاً جامعه‌ای که در گذشته بیشتر از قراردادهای بیع، مرابحه، جعاله و... استفاده می‌نمود انگیزه بیشتری در بهره‌گیری از قراردادهای مشارکتی، مضاربه، تکافل و... خواهد داشت.

برای کاهش برخی مخاطرات ضمنی یک معامله ابزارهایی در قراردادها پیش‌بینی شده است تا از نیاز به حل بیرونی مخاطرات یک قرارداد کاسته شود. نظارت شخص سوم بر یک قرارداد، الزام به مکتوب کردن قرارداد و نیز بهره‌گیری از خيارات متنوع از جمله این ابزارها می‌باشد. تشریح این ابزارها در ابتدای شریعت اسلامی در شرایطی است که بسیاری از معاملات در اروپای فئودالی به صورت شفاهی صورت می‌پذیرفت (Usher, 1943, p5). در کنار ویژگی‌های مورد اشاره، شروط صحت معامله نیز از جمله ویژگی‌هایی است که در شریعت اسلامی برای تکمیل یا اصلاح برخی از انواع قراردادهای رایج، قرارداد شده است؛ این شروط ضامن تحقق یک معامله ایمن بوده و از این طریق به توسعه بازار نیز کمک شایانی می‌نماید.



۶. نتیجه‌گیری

رشد و توسعه اقتصادی یکی از کلیدی‌ترین اهداف جوامع انسانی است و هدف اساسی از تحقق توسعه اقتصادی، بهزیستی و تعالی جامعه برای رسیدن به ارزش‌ها و اهداف جامعه می‌باشد. در حقیقت آنچه که به توسعه اقتصادی جهت می‌دهد، اهداف و ارزش‌هایی است که یک جامعه به دنبال تحقق آن‌ها است. بر این اساس رشد و توسعه اقتصادی مؤثر و مطلوب در یک جامعه منطبق بر سایر نهادها و ارزش‌های جامعه شکل می‌گیرد و به پیش‌برد آنها کمک می‌کند. قراردادهای به‌عنوان یک نهاد، می‌تواند این مهم را تحقق بخشد. از این‌رو مطالعه حاضر نقش نهادی قراردادهای در رشد و توسعه اقتصادی را مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که قراردادهای اسلامی می‌تواند از شکل‌گیری هزینه‌های مبادله اثرگذار بر رشد اقتصادی پیش‌گیری نموده و سبب افزایش بهره‌وری اقتصادی گردد. قراردادهای به‌عنوان نهادی فراگیر به توسعه مشارکت تمامی آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی و در نتیجه گسترش

انگیزه‌های نوآورانه و خلاقانه کمک می‌نماید. از سوی دیگر بر اساس آموزه‌های اسلام در باب حقوق مالکیت و با توجه به مسئولیت‌آفرینی مالکیت خصوصی در قبال خداوند متعال، قراردادهای اسلامی می‌تواند سازوکاری برای صیانت از مالکیت خصوصی در ضمن یک معامله اقتصادی باشد. بر این اساس می‌توان مدلی مفهومی از نقش نهادی قراردادها در رشد و پیشرفت اقتصادی ارائه نمود که بر اساس آن مؤلفه‌های محوری قراردادهای اسلامی برای کمک به رشد و پیشرفت اقتصادی شامل اختصاصات جوهری، ارزشی، انسانی و نیز ابزارهای ضمنی و اصول و شروط حاکم بر قراردادهای اسلامی می‌باشد.

در پایان ذکر این نکته الزامی می‌باشد که رشد و توسعه اقتصادی همواره ملازم با تحولات مستمر الزامات و نیازهای اقتصادی در هر سطح از توسعه‌یافتگی است. از این رو مؤلفه‌های مورد بررسی پژوهش حاضر منحصر در موارد ذکر شده نخواهد بود.

یادداشت‌ها

۱. ... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء: ۱۴۱)

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ... (بقره: ۲۸۲)

3. teleological

4. moral hazard

۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ... (بقره: ۲۸۲)

۶. اصطلاحاً به این اصل، اصل تنجیز قرارداد گفته می‌شود.

۷. (نساء: ۲۹)

۸. (انعام: ۱۶۵)

۹. مانند ایجاد اثرات جانبی منفی

۱۰. قاعده حرمت کار مسلمان

11. moral hazard
12. adverse selection

کتابنامه

- قرآن کریم
- ای. ویلیامسون، اولیور (۲۰۰۵). تجدید حیات اقتصاد نهادی؛ اقتصاد تدبیر امور. ترجمه محمود متوسلی، مصطفی سمیعی نسب، علی نیکونستی، محمود مشهدی احمد. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ای. ویلیامسون، الیور (۲۰۰۲). اقتصاد نهادگرایی جدید: دستاوردهای گذشته و نگاهی به فرارو. ترجمه محمود متوسلی. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه. ۷ (۱). صص. ۳-۴.
- استرم، الینور (۱۳۹۴). فهم تنوع نهادی. ترجمه سیدجمال‌الدین محسنی زنوزی. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- پولانی، کارل (۱۳۹۱). دگرگونی بزرگ. ترجمه محمد مالجو. چاپ اول. تهران: شرکت نشر و پژوهش شیرازه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴). ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت. چاپ هفدهم. قم: نشر اسراء.
- حرعاملی، محمدین حسن (۱۳۶۷). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. چاپ اول. قم: مؤسسه آل‌البتی (ع).
- حسینی، سید محمدرضا؛ محمدی نجف‌آبادی، عبدالمجید (۱۳۹۲). تأثیر حقوق مالکیت در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه (زمینه‌ها و موانع). فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه. ۱۸ (۲). صص. ۱۶۳-۱۸۴.
- حسینی حائری، سید کاظم (۱۳۹۶). فقه العقود. جلد ۱. چاپ ششم. قم: مجمع فکر اسلامی.
- حسینی حائری، سید کاظم (۱۳۹۶). فقه العقود. جلد ۲. چاپ ششم. قم: مجمع فکر اسلامی.
- دادگر، یداله؛ ندیری، محمد (۱۳۹۳). تأثیر نهادهای حقوق مالکیت و نهادهای قراردادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر ایران. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان. ۲ (۷). صص. ۲۰-۱.
- دادمزنی، سیدمهدی (۱۳۷۹). مفهوم عقد در قانون مدنی. پژوهش‌های فلسفی - کلامی. ۴ (۲). صص. ۵۸-۷۳.
- ذوقی، علی (۱۳۹۴). بررسی رابطه نهادها و رشد اقتصادی. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). قابل‌بازیابی از پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی.
- رولاند، جرارد (۱۳۹۶). اقتصاد توسعه. ترجمه محمد سلیمانی. چاپ اول. تهران: چالش.
- شریف‌زاده، محمدجواد (۱۳۹۰). سازوکارهای اعمال قرارداد در اقتصاد اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی. ۱۱ (۴۴). صص. ۵۶-۳۱.
- عاملی جبعی، زین‌الدین بن نورالدین علی بن احمد (۱۳۹۲). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. جلد ۲. چاپ دوم. قم: دارالعلم.

- عجم اوغلو، دارون؛ رابینسون، جیمز ای (۱۳۹۵). چرا کشورهای شکست می‌خورند. ترجمه پویا جبل عاملی و محمدرضا فرهادی پور. چاپ هفتم. تهران: دنیای اقتصاد.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۶). الکافی. جلد ۵. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محلای، محمد سروش (۱۳۸۳). اصل عدم ولایت. فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی. ۲۵(۷). صص. ۶۳-۷۲.
- محمدی، تیمور؛ ندیری، محمد (۱۳۹۲). بررسی تأثیر نهادهای خالق بازار و سایر نهادها بر رشد اقتصادی (رویکرد بین‌کشوری). فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار). ۱۳(۴). صص. ۱۷۷-۲۰۷.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. جلد ۲. چاپ بیستم. تهران: دارالکتب اسلامیه.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). تحریر الوسیله. قم: دارالعلم.
- Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (2002). Reversal of fortune: Geography and institutions in the making of the modern world income distribution. *The Quarterly journal of economics*, 117(4), 1231-1294.
- Acemoglu, D., & Robinson, J. (2010). *The role of institutions in growth and development*. Leadership and growth, 135.
- Aguirre, A. (2017). *Contracting institutions and economic growth*. Review of Economic Dynamics, 24, 192-217.
- David, R. (2016). *Advanced macroeconomics*.
- Gruber, J. (2013). *Public finance and public policy*. Macmillan.
- Hall, R. E., & Jones, C. I. (1999). Why do some countries produce so much more output per worker than others? *The quarterly journal of economics*, 114(1), 83-116.
- Klenow, P. J., & Rodriguez-Clare, A. (1997). *The neoclassical revival in growth economics: Has it gone too far?* NBER macroeconomics annual, 12, 73-103.
- Kumar, K. B., & Matsusaka, J. G. (2009). From families to formal contracts: An approach to development. *Journal of Development Economics*, 90(1), 106-119.
- Mirakhor, A. (2014). *Muslim contribution to economics*. essays on iqtisad. New York: global scholarly publications.
- North, D. C. (1987). *Institutions, transaction costs and economic growth*. Economic inquiry, 25(3), 419-428.
- North, D. C. (1989). *Institutions and economic growth: An historical introduction*. World development, 17(9), 1319-1332.
- Romer, Paul M. 1990. "Endogenous Technological Change." *Journal of Political Economy* 98 (October, Part 2): S71-S102.
- Ryan, Fergus (2006). *Round Hall nutshells Contract Law*. Thomson Round Hall. p. 1
- Usher, A. P. (1943). *The early history of deposit banking in Mediterranean Europe* (Vol. 75). Cambridge, Mass., Harvard U. P, 1943-.

References

Holy Quran

- Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (2002). Reversal of fortune: Geography and institutions in the making of the modern world income distribution. *The Quarterly journal of economics*, 117(4), 1231-1294.
- Acemoglu, D., & Robinson, J. (2010). *The role of institutions in growth and*

- development. Leadership and growth, 135.
- Aguirre, A. (2017). *Contracting institutions and economic growth*. Review of Economic Dynamics, 24, 192-217.
- Âmeli, Mohammad Ibn Hassan (1989). *Al-Wasâel Al-Shi'ah*. Qom: âl Al-Bayt Institute (in Arabic).
- Âmeli, Zayn Al-Din ibn Ali (Second Martyr) (1990). *Al-Rawdha Al-Baha'i Fi Sharh Al-Loma'a Al-Dameshqiyyah*. Qom: Davoodi Publications. (in Arabic)
- Dadgar, Y., Nadiri, M. (2014). Evaluating the role of property rights institutions and contracting institutions on economic Growth, emphasizing Iran. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 2(Vol 2- No 7), 1-21. (in Persian)
- Dadmarzi, S. (2000). The concept of marriage in civil law. *Journal of Philosophical Theological Research*, 1(4), 59-74. doi: 10.22091/pfk.2000.506. (in Persian)
- David, R. (2016). *Advanced macroeconomics*.
- Gruber, J. (2013). *Public finance and public policy*. Macmillan.
- Hall, R. E., & Jones, C. I. (1999). Why do some countries produce so much more output per worker than others? *The quarterly journal of economics*, 114(1), 83-116.
- Hosseini, S M R, Mohammadi-Najafabadi A. (2013) *the Effect of Property Rights on Economic Growth in Developing Countries: Areas and Barriers*. JPBUD. 18 (2):163-184. (in Persian).
- Hosseini haeri, seyed kazem *Jurisprudence of contracts: a comparative study between Islamic and civil jurisprudence*. Qom: majma alfekr islamy. (in Arabic)
- JavadiAmoli. (2016). *Wilayat -e Faqih: The rule of equality and divine law*. Qom: esra (in Persian).
- Khomeini, R. (2000). *Tahrir al-wasilah*. Tehran: Mu'assisat Tanzim VA Nashr Athar al-Imam Khomeini, 1412, 825. (in Arabic)
- Klenow, P. J., & Rodriguez-Clare, A. (1997). *The neoclassical revival in growth economics: Has it gone too far?* NBER macroeconomics annual, 12, 73-103.
- Koleini, Mohammad ibn Ya'qub.(1988). Al-Kafi.volum 5. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. (in Arabic).
- Kumar, K. B., & Matsusaka, J. G. (2009). From families to formal contracts: An approach to development. *Journal of Development Economics*, 90(1), 106-119.
- Mahallati, M. (2004). The principle of the Inexistence of Wellayat. *Political Science*, 7(issue 25), 63-72. (in Persian).
- Makarem Shirazi, Nasser. (1995). *Tafsir Nemooneh*. Tehran: Islamic Publications (in Persian).
- Mirakhor, A. (2014). *Muslim contribution to economics*. essays on iqtisad. New York: global scholarly publications.
- Mohammadi T, Nadiri M. *Investigating Effect of Market Creating Institutions and Other Institutions on Economic Growth (Cross Country Approach)*. QJER. 2014; 13 (4) :177-207. (in Persian).
- North, D. C. (1987). Institutions, transaction costs and economic growth. *Economic inquiry*, 25(3), 419-428.
- North, D. C. (1989). *Institutions and economic growth: An historical introduction*. World development, 17(9), 1319-1332.
- Ostrom, E. (2009). *Understanding institutional diversity*. Princeton university press.
- Polanyi, K. (1944). *The great transformation*. Boston: Beacon press.
- Robinson, J. A., & Acemoglu, D. (2012). *Why nations fail: The origins of power, prosperity and poverty*. London: Profile.
- Roland, G. (2016). *Development economics*. Routledge.

- Romer, Paul M. 1990. "Endogenous Technological Change." *Journal of Political Economy* 98 (October, Part 2): S71-S102.
- Ryan, Fergus (2006). *Round Hall nutshells Contract Law*. Thomson Round Hall .
- Sharifzadeh.Mohammadjavad. (2011). Mechanisms of contract enforcement in Islamic economics; Comparative analysis of contract costs in early Islamic economics. *Islamic Economics*, 11(44), 31-56. (in Persian).
- Usher, A. P. (1943). *The early history of deposit banking in Mediterranean Europe* (Vol. 75). Cambridge, Mass., Harvard U. P, 194.
- Williamson, O. E. (2000). The new institutional economics: taking stock, looking ahead. *Journal of economic literature*, 38(3), 595-613.
- Williamson, O. E. (2005). *The economics of governance*. American Economic Review, 95(2), 1-18.
- Zoghi, Ali. (2016). *Investigating the relationship between institutions and economic growth*. Retrieved from the Jihad University Scientific Information Center database. (in Persian).